



درس خارج فقه حضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

تاریخ: ۹ مهر ۱۳۹۸

مصادف با: ۲ صفر ۱۴۴۱

جلسه: ۸

موضوع کلی: فصل فی شرائط الوضوء

موضوع جزئی: شرط سیزدهم؛ اخلاص

سال تحصیلی: ۹۸-۹۹

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در مسأله ۵۸۰ بود. عرض شد که به نظر مرحوم سید (ره)، اگر شخص دو وضو بگیرد و بعد از هر کدام از آن وضوها، نماز بخواند و سپس یقین پیدا کند که بعد از یکی از آن دو وضو، حدثی حادث شده است، واجب است که او برای نمازهای بعدی وضو بگیرد و هر دو نمازی را که خوانده است، اگر در عدد مختلف باشند، اعاده کند، ولی اگر در عدد مختلف نباشند، اگر آن نمازها جهری [، مثل نماز مغرب] باشند، خواندن یک نماز جهری به قصد ما فی الذمه کفایت می‌کند و اگر آن نمازها اخفاتی [، مثل نماز ظهر] باشند، خواندن یک نماز اخفاتی به قصد ما فی الذمه کفایت می‌کند و اگر آن دو نماز در جهر و اخفات مختلف باشند، او مخیر است که آن نماز را به صورت جهری یا اخفاتی به قصد ما فی الذمه بخواند و احتیاط [مستحب] این است که وی هر دو نماز را اعاده کند، یعنی یک نماز جهری و یک نماز اخفاتی بخواند.

همچنین، عرض شد که اگر دو نمازی که شخص خوانده است، در عدد اختلاف نداشته باشند، ولی یکی جهری و دیگری اخفاتی باشد، شخص در هنگام اعاده، در خواندن بین جهر و اخفات مخیر است.

مشهور گفته‌اند که در این صورت، مجالی برای قاعده اشتغال نیست که شخص بخواهد دو نماز جهری و اخفاتی به جای آورد زیرا قاعده اشتغال به موردی مربوط است که شخص بعد از علم به ثبوت تکلیف، در سقوط آن تکلیف شک دارد، در صورتی که در فرض مورد بحث، شخص در اصل ثبوت تکلیف شک دارد که در این صورت، مسلم است که خواندن دو نماز جهری و اخفاتی بر عهده او نیست چون قطع دارد که یکی از دو نمازی که خوانده است، صحیح بوده و دیگری باطل بوده است و این گونه نیست که هر دو نمازی که خوانده است، باطل باشد لذا خواندن یک نماز کفایت می‌کند.

روایاتی نیز وارد شده‌اند که مربوط به مواردی می‌باشند که فریضه‌ای از کسی فوت شده است و او نمی‌داند که آن فریضه‌ای که فوت شده است، کدام فریضه است و از این روایات استفاده شده است که خواندن یک نماز کفایت می‌کند که روایات ذیل از آن جمله‌اند.

روایت اول: عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشاءِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ قَالَ: «مَنْ نَسِيَ صَلَاةً مِنْ صَلَاةٍ يَوْمِهِ وَاحِدَةً وَلَمْ يَذَرِ أَيُّ صَلَاةٍ هِيَ، صَلَّى رَكَعَتَيْنِ وَ ثَلَاثًا وَ أَرْبَعًا»^۱.

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۸، کتاب الصلاة، ابواب قضاء الصلوات، باب ۱۱، ص ۲۷۶، ح ۱.

کلمه «أربعاً» که در روایت مذکور آمده است، بر این دلالت دارد که خواندن یک نماز چهار رکعتی کفایت می‌کند چون امام صادق (ع) تکرار نماز چهار رکعتی را لازم ندانسته است و فرموده است که خواندن یک نماز چهار رکعتی کافی است و این کلام حاکی از این است که فرقی نمی‌کند که آن نماز، جهری باشد یا اخفاتی باشد.

روایت دوم: همان روایت مذکور، با سندی دیگر است: **وَبِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَصْبَاطٍ^۱.**

مورد دو روایت مذکور، فراموشی است، لکن از مورد روایت به بحث مورد نظر [که شخص نماز خوانده است، لکن چون بعد از یکی از دو وضوئی که گرفته است، حدثی از او سر زده است و در نتیجه، علم به بطلان یکی از دو نماز پیدا کرده است]، تعدی می‌شود و عرض می‌شود که در این مورد که شخص می‌خواهد نمازش را اعاده کند نیز خواندن یک نماز جهری یا اخفاتی به نحو تخییر، کفایت می‌کند.

کلام آیت الله خویی (ره) در رابطه با سند و دلالت دو روایت مذکور

مرحوم آیت الله خویی (ره) فرموده است که دو روایت مذکور، از نظر سند معتبرند و مشکل سندی ندارند. ایشان فرموده است که هرچند که روایت اول را مرسله دانسته‌اند، لکن این روایت از نظر ما مرسله نیست. بله، روایت مرسله، روایتی است که بعضی از روات در سلسله سند روایت نیامده باشند، اما به هر روایتی که راوی ذکر نشده باشد، نمی‌توان مرسله گفت زیرا گاهی راوی تعبیر «عن غیر واحد» را به کار برده است و خود این تعبیر کاشف از معروف بودن روایت است و چنین روایتی ممکن است که در حد روایت متواتر باشد. بنابراین، به صرف بودن تعبیر «عن غیر واحد» در روایتی، نمی‌توان برچسب مرسله بودن به آن روایت زد زیرا خود این تعبیر می‌تواند کاشف از معروف و متواتر بودن روایت باشد و این تعبیر امروزه نیز رایج است و اگر یک مطلبی معروف باشد، می‌گویند که این مطلب را خیلی از افراد نقل کرده‌اند. بنابراین، روایت مذکور، اشکال سندی ندارد.

اما دلالت این دو روایت تمام نیست و بحث مورد نظر را شامل نمی‌شوند چون به مورد فوت فریضه مربوطند، یعنی به موردی مربوط می‌شوند که شخص نماز فریضه را فراموش کرده است و آن نماز از او فوت شده است، ولی در بحث مورد نظر، نماز از شخص فوت نشده است، بلکه او نماز را خوانده است، لکن بعد از خواندن نماز، یقین پیدا کرده است که بعد از یکی از دو وضوئی که برای دو نماز گرفته بود، حدثی از او صادر شده است لذا علم به بطلان یکی از آن دو نماز پیدا کرده است لذا فرض مورد بحث، فوت نماز نیست تا دو روایت مذکور، این مورد را نیز شامل شوند و لذا نمی‌توان از مورد روایت به غیر آن تعدی کرد.

البته ممکن است که گفته شود که مورد، مخصّص نیست، یعنی مورد مذکور در دو روایت مذکور، خصوصیتی ندارد تا غیر آن را شامل نشود لذا دلالت دو روایت مذکور، بر مدعا تمام است.

روایت سوم: **عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ يَرْفَعُ الْحَدِيثَ؛ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ صَلَاةً مِنَ الصَّلَوَاتِ الْخُمْسِ لَا يَذَرُ أَيُّهَا هِيَ؛ قَالَ: «يُصَلِّي ثَلَاثَةً وَأَرْبَعَةً وَرَكَعَتَيْنِ فَإِنْ كَانَتِ الظُّهْرُ وَالْعَصْرُ وَالْعِشَاءُ كَانَ قَدْ صَلَّى وَإِنْ كَانَتِ الْمَغْرِبُ وَالْعُدَاةُ فَقَدْ صَلَّى»^۲.**

۱. همان.

۲. همان، ح ۲؛ احمد بن محمد بن خالد، ابوجعفر، برقی، المحاسن، ج ۲، کتاب العلل، ص ۳۲۵، ح ۶۸.

«اربعة» هم نماز جهری و هم نماز اخفاتی را شامل می‌شود و اینکه امام صادق (ع) فرموده است که در موردی که شخص نمازی از نمازهای پنج‌گانه را فراموش کرده باشد، خواندن یک نماز سه رکعتی و یک نماز چهار رکعتی و یک نماز دو رکعتی کفایت می‌کند، حاکی از این است که شخص مخیر است که آن نماز چهار رکعتی را جهراً یا اخفاتاً بخواند. احتیاط اقتضا می‌کند که شخص یک نماز جهری و یک نماز اخفاتی بخواند، ولی امام (ع) فرموده است که خواندن یک نماز چهار رکعتی کفایت می‌کند لذا شخص مخیر است که یک نماز چهار رکعتی جهری یا اخفاتی بخواند.

روایت مذکور نیز همانند دو روایت قبلی بر مدعا [خواندن یک نماز چهار رکعتی جهری یا اخفاتی] دلالت دارد. روایت سوم، ذیلی دارد که در دو روایت قبلی نیامده بود و آن عبارت «فَإِنْ كَانَتْ الظُّهْرُ وَالْعَصْرُ وَالْعِشَاءُ كَانَ قَدْ صَلَّى» می‌باشد لذا با توجه به این ذیل، از مورد روایت که فوت فریضه باشد، تعدی شده است و گفته شده است که مورد بحث را که فوت فریضه نیست نیز شامل می‌شود.

دلیل آیت الله خویی (ره) بر کفایت خواندن یک نماز جهری یا اخفاتی به نحو نخیر

مرحوم آیت الله خویی (ره) فرموده است که نمی‌توان با تمسک به روایات مذکور، مدعا [کفایت کردن خواندن یک نماز جهری یا اخفاتی به نحو تخیر] را ثابت کرد چون روایات مذکور، در خصوص فوت فریضه وارد شده‌اند که امر دائر بین سه نماز است و امام (ع) فرموده است که خواندن یک نماز سه رکعتی و یک نماز چهار رکعتی و یک نماز دو رکعتی کفایت می‌کند و یقین پیدا می‌شود که نمازی که از شخص فوت شده است، اثبات شده است و تعدی از این روایات که مورد آنها خاص است و در خصوص فوت فریضه وارد شده‌اند، به مورد بحث که فوت فریضه نیست، جایز نیست.

آیت الله خویی (ره) فرموده است که به نظر می‌رسد که صحیح این است که گفته شود که ادله اعتبار اجهار و اخفات قاصرند [، یعنی ادله‌ای که بر جهر و اخفات خواندن دلالت دارند، این مورد را شامل نمی‌شوند] چون مواردی که گفته شده است که هم جهر و هم اخفات خوانده شود، به موردی مربوط می‌شوند که انسان عالماً و متعمداً به جای جهر، اخفات بخواند یا به جای اخفات، جهر بخواند، اما مورد بحث این‌گونه نیست چون تعدی در کار نبوده است و شخص در فرض مذکور، وظیفه‌اش را انجام داده است، یعنی بعد از وضوی اول، نماز را آن‌گونه که وظیفه‌اش [جهر یا اخفات] بوده است، خوانده است و بعد از وضوی دوم نیز نماز را آن‌گونه که وظیفه‌اش بوده است، خوانده است و تعمداً چیزی را به جای چیز دیگر نخوانده است لذا اگر یک نماز جهری یا اخفاتی به نیت ما فی الذمه بخواند، کفایت می‌کند. بنابراین، مواردی که شخص نمی‌تواند به جای اخفات، جهر و به جای جهر، اخفات بخواند، مواردی است که شخص عمدی بخواهد آنها را جابه‌جا بخواند، ولی مورد بحث، فرض تعدی نیست، بلکه مورد جهل و نسیان و غفلت است چون نمی‌داند که آیا نماز جهریه‌ای که خوانده است، باطل شده است یا نماز اخفاتی‌ای که خوانده است، باطل شده است چون شک در مسبب ناشی از شک در سبب است، یعنی چون نمی‌داند که آیا وضوی اول باطل شده است یا وضوی دوم باطل شده است لذا شک می‌کند که آیا نماز جهری باطل است یا نماز اخفاتی باطل است و دلیل این امر روایت زراره است که این روایت، فرض التفات و تعدی را شامل می‌شود و فرض جهل و غفلت را شامل نمی‌شود:

عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) فِي رَجُلٍ جَهَرَ فِيمَا لَا يَنْبَغِي الْإِجْهَارُ فِيهِ وَأَخْفَى فِيمَا لَا يَنْبَغِي الْإِخْفَاءُ فِيهِ؛ فَقَالَ: «أَيُّ ذَلِكَ فَعَلَ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ نَقَضَ صَلَاتَهُ وَعَلَيْهِ الْإِعَادَةُ فَإِنْ فَعَلَ ذَلِكَ نَاسِيًا أَوْ سَاهِيًا أَوْ لَا يَذَرِي فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ وَقَدْ تَمَّتْ صَلَاتُهُ»^١.

«الحمد لله رب العالمين»

١. همان، ج ٦، كتاب الصلاة، ابواب القراءة في الصلاة، باب ٢٦، ص ٨٦، ح ١.